

اقتصاد توسعه و مائیه

فقر و شیوه‌های مدیریتی مقابله با فقر

احمد کلهر

(فوق لیسانس اقتصاد، عضو هیئت علمی دانشگاه قزوین)

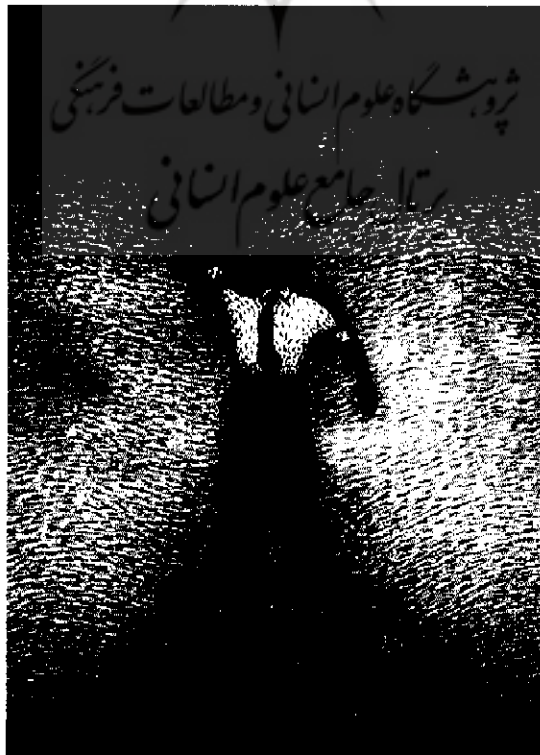
مقدمه

امروز فقر موضوع بااهمیت است که مستلزم بررسی و تجزیه و تحلیل است. روش‌های مقابله با فقر نیز اهمیت دارد، زیرا حدود نیمی از جمعیت جهان مانند قاره آفریقا و بخش‌هایی از قاره آسیا که پرجمعیت‌اند با فقر روبه‌رو هستند.

آن مشخص شود و عوامل و علل ایجاد آن بررسی شود. نگرش جدید مقاله نسبت به مطالب ارائه شده پیشین، این است که شیوه‌های مدیریتی مقابله با فقر با تاکید بر راهکارهای علمی و عملی جدید بیان شوند تا در صورت امکان به عنوان راهکارهای اجرایی به کار روند.

فقر چیست؟ فقر شبیه گرما است، اما نمی‌توانید آن را ببینید و فقط آن را احساس می‌کنید؛ پس برای درک فقر باید به میان فقر بروید. چنان‌آدابویا در مورد فقر مفاهیم گوناگونی را مطرح کرد مانند: گرسنگی، بیماری، نداشتن پناه‌گاه، نداشتن امکانات برای رفتن به مدرسه یا پزشک، بی‌سوادی، نداشتن شغل، نگرانی از آینده، نداشتن بهداشت، مرگ و میر و نداشتن امکانات اولیه زندگی.

تعریف فقر: فقر یک پدیده چند بعدی است که شامل ناکامی در رضایت‌مندی بر مبنای نیاز و کمبود دست‌یابی به منابع، تحصیلات، مهارت، سلامتی، تغذیه، پناهگاه، امکانات بهداشتی است که آسیب‌پذیری اجتماعی، خشونت و کمبود آزادی را در پی دارد. برای اینکه بتوان فقر را به خوبی



دلیل این موضوع تا حدود زیادی مربوط به تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات اقتصادی است و با تأسیف هر روز در دنیا افراد بیشتری در خط فقر قرار می‌گیرند.

با توجه به تقسیم‌بندی کشورهای به سه دسته: توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته، می‌توان گفت که بیشتر کشورهای توسعه نیافته و بخشی از کشورهای در حال توسعه در فقر به سر می‌برند، در حالی که کشورهای توسعه یافته که میزان رشد جمعیتی کمی دارند هر روز ثروتمندتر می‌شوند و حتی منابع کشورهای فقیر را به نفع خود مورد استفاده قرار می‌دهند. در این مقاله، سعی شده است فقر، خط فقر و ابعاد

شناخت و آن را تجزیه و تحلیل کرد و علل و عوامل آن را شناسایی کرد، ابتدا باید ابعاد فقر را شناسایی کنیم تا بتوانیم برای مقابله با آن راهکارهایی را بیابیم.

ابعاد فقر

برای شناخت ابعاد فقر، مقیاس‌های گوناگونی را باید بررسی کرد، این مقیاس‌ها عبارت‌اند از: مقیاس‌های سطوح اجتماعی، سطح درآمد و مصرف مردم، آسیب‌پذیری و قدرت مخاطره دسترسی به امکانات سیاسی و اجتماعی.

با استفاده از این مقیاس‌ها می‌توان ابعاد فقر را شناخت و میزان فقر را تخمین زد و نسبت به رفع آن برنامه‌ریزی کرد و اقدامات مؤثری را انجام داد.

به‌طور معمول هر سال توسط سازمان ملل متحد در این زمینه استانداردهایی تدوین می‌شود و گزارش‌های لازم برای استفاده کشورهای گوناگون تهیه و در اختیارشان قرار می‌گیرد.

میزان فقر و خط فقر: برای اندازه‌گیری میزان فقر، ابتدا باید میزان مصرف و درآمد را بررسی کرد، بنابراین باید خط فقر را مشخص کرد.

خط فقر عبارت است از درآمد یک شخص که کمتر از میزان کمترین درآمد باشد و فرد نتواند به نیازهای اساسی اش دسترسی یابد. نیازهای اساسی بستگی به تنوع زمان و جوامع دارد، بنابراین خط فقر در هر کشوری از نظر زمانی و مکانی متفاوت است و خط فقر در هر کشوری به میزان توسعه و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه بستگی دارد. در برآورد خط فقر باید میزان مصرف و درآمد خانوارها را به‌طور نمونه‌گیری بررسی کرد و پرسش‌هایی در زمینه روش آنها در خرج کردن، منابع درآمد، میزان مصرف و ارتباط آن با درآمد از افراد شود و سرانجام بر پایه تشخیص‌های ذهنی و عینی از نیازها، میزان خط فقر را مشخص کرد.

در دنیا، بانک جهانی نسبت به برآورد خط فقر جهانی اقدام می‌کند که آن را خط فقر مرجع می‌گویند. در ۱۹۹۳ خط فقر مرجع یک تا دو دلار در روز اعلام شد. در ۱۹۹۹ مطالعاتی در زمینه برآورد فقر در جهان انجام شد، در این تحقیق ۱/۲ بیلیون نفر از مردم جهان کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند که ۲۳ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه هستند و ۲/۸ بیلیون نفر کمتر از دو دلار در روز درآمد دارند یعنی کمتر از خط فقر قرار دارند.

در حالی که، به نظر می‌رسد این آمارها کمتر از آمارهای واقعی باشند. بر فرض اینکه آمارهای اعلام شده تا حدودی واقعی باشند و نشان‌دهنده آن است که از ۶/۲ بیلیون نفر، ۲/۸ بیلیون نفر در فقر هستند و اهمیت بررسی موضوع فقر روشن می‌شود. در حالی که کشورهای صنعتی و توسعه یافته با ترکیب جمعیتی به نسبت کم از بیشترین رفاه و امکانات برخوردارند و در تخصیص منابع اقتصادی، حقوق بیشتر ملت‌ها را ضایع می‌کنند.

از شاخص فقر می‌توان افزایش رشد جمعیت، کمبود امکانات، بی‌سوادی، کاهش درآمد ملی و سرانه، افزایش مرگ‌ومیر، حرکت کند توسعه اقتصادی، افزایش میزان رنج و ریاضت اقتصادی برای بخش‌هایی از جمعیت و شاخص‌های دیگر است که مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌شود.

وضعیت فقر در کشورهای در حال توسعه

میزان مصرف خصوصی هر فرد در کشورهای در حال توسعه در حدود ۱/۴ درصد بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ و ۲/۴ درصد در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ بوده است؛ بنابراین، میلیون‌ها نفر در جهان زندگی فقیرانه‌ای دارند. با توجه به اینکه میزان رشد در کشورهای در حال توسعه به نسبت زیاد است، تعداد زیادی از نوزادان در این کشورهای فقیر متولد می‌شوند و نسبت زیادی از جمعیت کشورهای در حال توسعه در بیشترین فقر اقتصادی زندگی می‌کنند.

از مشکلات اقتصادی قاره آفریقا در این زمینه، مشکلات آموزشی زنان است که نسبت به قاره‌های دیگر، میزان بی‌سوادی، بیشتر است که دلیل بیشتری در افزایش فقر و توسعه نیافتن اقتصادی است.

اهداف توسعه از نظر سازمان ملل متحد و بانک جهانی

سازمان ملل متحد و بانک جهانی اهداف توسعه را در هشت مورد بیان کرده‌اند که به این شرح است:

۱. ریشه‌کن کردن فقر و گرسنگی.
۲. همگانی کردن آموزش ابتدایی و عمومی.
۳. ترویج برابری زن و مرد و اختیار دادن به زنان.
۴. کاهش مرگ‌ومیر کودکان.
۵. تأمین سلامتی مادران و نوزادان.
۶. مقابله با ایدز، مالاریا و بیماری‌های دیگر.
۷. ایجاد محیط سالم و قابل تحمل.
۸. گسترش مشارکت عمومی و تضامنی برای توسعه.

توزیع ناعادلانه درآمد عامل فقر

توسعه‌گران، اختلاف زیاد درآمد بین طبقات فقیر و ثروتمند جامعه در کشورهای در حال توسعه را نه فقط مزیت اقتصادی نمی‌دانند، بلکه آن را مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌دانند.

به‌نظر محبوب‌الحق اقتصاددان پاکستانی: در تئوری اقتصاد به ما آموخته‌اند شما در پی رشد اقتصادی باشید (تولید بیشتر) مشکل توزیع درآمد خودش رفع می‌شود. اما من به این نتیجه دست یافته‌ام که برای دستیابی به رشد اقتصادی، لازم است درآمدها، عادلانه توزیع شوند. علاوه‌براین، بیشتر علمای توسعه در مورد نقش مثبت طبقه گسترده در جامعه تاکید دارند. آنها می‌گویند که در بیشتر کشورهای جهان سوم، ساختمان طبقاتی به شکل یک هرم نوک تیز و با قاعده بسیار پهن است. شکل هرم فرضی را می‌توان به این صورت نشان داد.



طبقه ثروتمند
طبقه متوسط
طبقه بسیار فقیر

جدول ۱. توزیع درآمد بین قشرهای گوناگون مردم

جمعیت	۱۰ درصد اول	۱۰ درصد دوم	۱۰ درصد سوم	۱۰ درصد چهارم	۱۰ درصد پنجم
درآمد	۲ درصد	۳ درصد	۴ درصد	۵ درصد	۶ درصد
جمعیت	۱۰ درصد ششم	۱۰ درصد هفتم	۱۰ درصد هشتم	۱۰ درصد نهم	۱۰ درصد دهم
درآمد	۷ درصد	۹ درصد	۱۳ درصد	۲۲ درصد	۲۹ درصد

موضوع فقر انتخاب می‌شود. و با مثالی فرضی، چگونگی توزیع درآمد در بین قشرهای گوناگون مردم یک کشور را بر حسب درصد نشان می‌دهیم. در یک کشور فرضی، مطالعاتی در مورد توزیع درآمد انجام شده است که در جدول زیر نشان داده‌ایم.

همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنیم، منحنی لورنز نشان می‌دهد که ۵۰ درصد جمعیت فقط ۲۰ درصد درآمد را دارند و ۵۰ درصد باقیمانده ۸۰ درصد درآمد دارند یا به عبارتی، ۸۰ درصد جمعیت ۴۹ درصد درآمد دارند و ۲۰ درصد جمعیت ۵۱ درصد درآمد دارند، علاوه بر این، منحنی نشان می‌دهد که ۱۰ درصد اول جمعیت فقط ۲ درصد درآمد دارند و ۱۰ درصد دوم جمعیت فقط ۳ درصد درآمد دارند.

و به این ترتیب، قشرهای فقیر را نشان می‌دهد، برای مثال ۴۰ درصد جمعیت فقط ۱۴ درصد درآمد دارند و یا ۵۰ درصد جمعیت فقط ۲۰ درصد درآمد دارند. این الگو نشان می‌دهد بر مبنای آمار و ارقام واقعی می‌توان چگونگی توزیع درآمد و حتی فقر را در هر کشوری نشان داد و انجام این موضوع با مطالعات آماری و نمونه‌گیری با استفاده از جامعه آماری امکان‌پذیر است. موضوع مهم این است که توزیع ناعادلانه درآمد در یک جامعه فقیر بیش از یک جامعه ثروتمند، زیان دارد. زیرا به دلیل کم بودن میزان تولید ملی جامعه فقیر، فقر گسترش بیشتری می‌یابد.

برای کاهش فقر در جهان چه باید کرد؟

اولویت اول، تلاش در جهت کاهش فقر حدود نیمی از مردمی که با کمتر از درآمد یک دلار در روز زندگی می‌کنند، به عبارتی فقر ۱/۲ میلیارد نفر در ۱۹۹۰ به ۸۹۰ میلیون نفر در ده سال آینده می‌تواند کاهش یابد. اولویت دوم، تلاش برای باقیمانده افراد یادشده در برنامه‌های بعدی به طوری که بتوان تا ۲۰۲۰ افراد فقیر را به حداقل درآمد رساند و در اولویت‌های بعدی روی جمعیتی بررسی کنیم که کمتر از دو دلار در روز درآمد دارند.

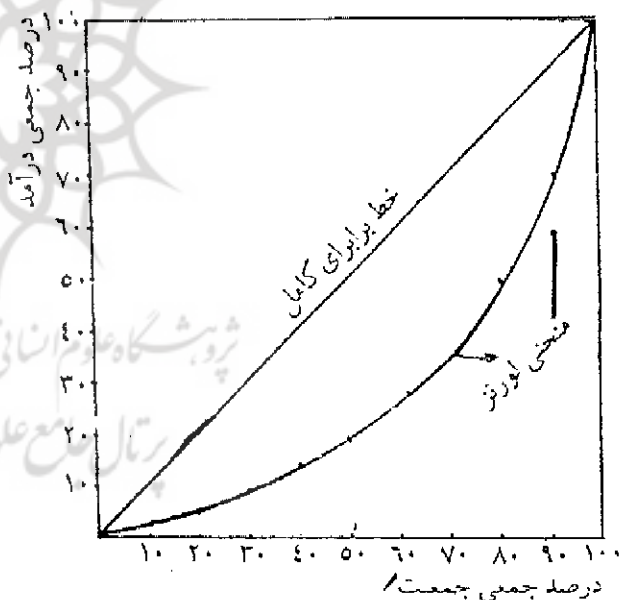
بنابراین، جمعیت ۱/۲ میلیارد نفری جهان تغذیه کافی ندارند و برخی نیز در معرض قحطی هستند و تعداد ۱/۶ میلیارد نفر باقیمانده، کمترین امکانات زندگی را دارند و با افزایش تورم این گروه نیز با سوء تغذیه مواجه‌اند.

برای تحقق این اولویت‌ها، اقدام اول، افزایش درآمد فقرا با کمک‌های جامعه جهانی، ایجاد اشتغال برای آنها، ایجاد زمینه خودکفایی و خوداتکایی. البته دستیابی به این هدف‌ها، چندان آسان نیست، اما امکان‌پذیر است.

تجربیات هند و چین نشان می‌دهد که می‌توان در کاهش فقر و سپس

در تجزیه و تحلیل این هرم مشاهده می‌شود درصد کمی از مردم بسیار ثروتمند و درصد بیشتری از مردم بسیار فقیرند و درصد طبقه متوسط نیز کم‌اهمیت است. این شرایط کوچکی طبقه متوسط نشان دهنده آن است که طبقه فقیر نمی‌تواند ترقی و پیشرفت داشته باشد. به این جهت این طبقه برای ارتقاء به طبقات بالا ناامید است.

در حالی که، وجود طبقه متوسط گسترده در یک جامعه امیدی برای رهایی از فقر است. امتیاز مثبت دیگری که در مورد طبقه متوسط یادآوری شده است، نقش این طبقه در فرایند توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه است، زیرا طبقه متوسط به دلیل نداشتن ضعف و وابستگی، نقش اساسی در این فرایند دارند.



همان‌طور که در شناخت ابعاد فقر مطرح شد، یکی از مقیاس‌ها، سنجش توزیع درآمد بود که با استفاده از آمار و ارقام چگونگی فقر را نشان می‌دهد.

معیارهای سنجش توزیع درآمد

به طور معمول با روش هندسی جبر و حساب می‌توان وضعیت توزیع درآمد را در کشورهای گوناگون نشان داد و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از روش‌های یادشده، روش هندسی به دلیل تجزیه و تحلیل بهتر

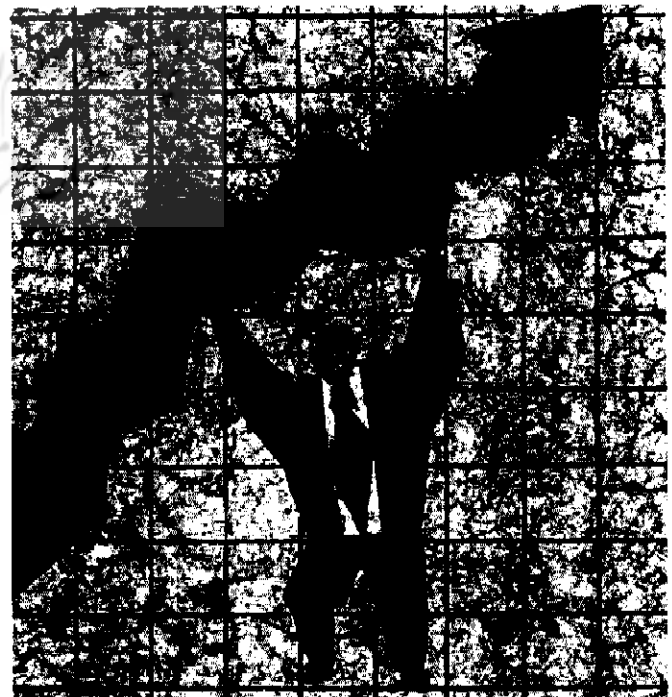
ریشه‌کنی نسبی آن موفقیت به دست آورد. خلاصه‌ای از تجربیات این دو کشور یادآوری می‌شود.

در حقیقت، کاهش فقر یک مبارزه تلقی می‌شود، دولت چین و هند در برنامه‌ریزی‌ها، بیشتر روی جمعیت روستایی و سپس جمعیت فقیر شهری متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، موضوعاتی مانند تولید، مصرف، فروش، خرید و جز آن تأکید داشته‌اند و دارند و توانسته‌اند موفقیت‌های زیادی را در دو دهه گذشته به دست آورند و تا حدودی فقر را در جامعه‌اشان کاهش داده‌اند؛ صنایع کوچک روستایی و دستی را توسعه داده‌اند و با این روش درآمد افراد فقیر را تا حدودی افزایش داده‌اند و مشکلات اقتصادی‌شان را تا حدودی رفع کرده‌اند.

کشور چین در سه مرحله مقابله با فقر را شروع کرده است:

مرحله اول: ۲: کاهش دادن فقر در چین: در این مرحله کاهش فقر و در صورت امکان حذف آن، از بزرگترین پروسه‌های مبارزاتی کشور چین است که در مقایسه با کشورهای دیگر، بهتر اجرا شده است. جمعیت فقیر از ۲۵۰ میلیون نفر در ۱۹۸۷ به ۱۲۵ میلیون نفر در ۱۹۸۵ کاهش یافته است و این روند در دوره‌های هفت ساله، ادامه یافته است و دولت چین برنامه‌های سازمان دهی شده ضد فقر را در سراسر چین انجام داده است. تأکید آن‌ها بیشتر جمعیت فقیر روستایی بوده است و توانسته‌اند تعداد آن‌ها را در حدود ۸۰ میلیون نفر کاهش دهند.

مرحله دوم: ۳: کنترل فقر در چین است. در این مرحله درآمدها و هزینه‌های خانواده‌های روستایی که یک الگوی مصرف دارند و چگونگی تولید، خرید و فروش را بررسی کرده‌اند. و راهکارهای کارشناسی شده و تجربیات بین‌المللی را به روستائیان ارائه می‌کنند. البته چین در مورد خانواده‌های فقیر شهری نیز اقدام‌های مؤثری داشته است مانند: خانگی کردن تولیدات کوچک و صنایع دستی است، به طوری که خانه این افراد مانند یک کارگاه کوچک است. مشاهده می‌کنیم که چین در صنایع سبک



دستی در دنیا جایگاه ویژه‌ای را کسب کرده است. مرحله سوم: ۴: مواجه شدن با مشکلات و رفع آنها. در این زمینه کشور

چین اقدامات زیر را انجام داده است:

الف) برگزاری سمینارهای بین‌المللی برای مقابله با فقر و استفاده از نظر متخصصان داخلی و خارجی در زمینه‌های تعریف فقر و معیارهای آن در جامعه روستایی و شهری و چگونگی برنامه‌ریزی و سازماندهی برای کنترل فقر در جامعه شهری و روستایی
ب) تعلیم و تربیت دست‌اندرکاران روستایی برای آشنایی آنها با علل و معیارهای فقر، چگونگی مقابله با آن و استفاده از راهکارها و استانداردهای جهانی.

شیوه‌های مدیریتی مقابله با فقر در جهان

براساس مطالعاتی که توسط کارشناسان بانک جهانی انجام شده است، استراتژی‌های زیر برای مقابله با فقر معرفی شده است:

۱. بررسی اقتصاد کلان کشورها و سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی آنها و برنامه‌ریزی در جهت رشد اقتصادی که منتهی به کاهش فقر شود.
۲. استفاده از طرح‌های مشارکتی دولت‌ها، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی.

۳. ایجاد ارتباط بین دولت‌ها و بانک جهانی و استفاده از منابع کشورها از طریق بانک جهانی برای کاهش فقر و استفاده از شیوه‌های مدیریتی مقابله با فقر در کشورهای در حال توسعه.

کشورهای در حال توسعه باید راهبردهایی را استفاده کنند که آن‌ها را به اهداف مورد نظرشان که مقابله با فقر و کاهش آن است برساند. این راهبردها می‌تواند این‌طور بیان کرد:

۱. تسریع در رشد اقتصادی: بهترین راهکار مقابله با فقر و افزایش کیفیت زندگی افراد، رشد اقتصادی است و رشد سریع نیازمند توسعه پایه‌های کوچک اقتصادی مانند: صنایع دستی، صنایع جانبی، صنایع کوچک و جز آن است.

۲. توزیع عادلانه درآمد و ثروت: درآمد سود به دست آمده از رشد اقتصادی اگر همراه با توزیع عادلانه درآمد و ثروت باشد، موجب کاهش فقر خواهد شد و به جز این هر راهکاری بی‌نتیجه است.

۳. تسریع رشد اجتماعی: شاخص‌های اجتماعی نیز هنگامی مفید و سود آوراند که موجب افزایش رشد اقتصادی و توزیع درآمد و ثروت باشند. لازم است به آموزش زبان و آب آشامیدنی تمیز، اقدامات بهداشتی و مصونیت کودکان و نوزادان توجه کرد، زیرا همه این موارد بر رشد و توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارند.

۴. آگاهی دادن به افراد برای مقابله با فقر و کاهش آن، ارائه برنامه‌های ضروری برای تصمیم‌گیری مؤثر و استفاده مطلوب از منابع و امکانات که یکی از اقدام‌های مهم برای تسریع رشد اجتماعی است.

شیوه‌های مدیریت مقابله با فقر در ایران

۱. برنامه‌ریزی برای مقابله با فقر از برنامه‌های مهم دولت است. تامین زندگی فقرا در درجه اول به‌طور حمایتی و در درجه دوم با خودکفایی از وظایف دولت و نهادهای مربوط است.

۲. دولت برای سلامتی و آموزش افراد فقیر و کم درآمد، حمایت‌های



تخصصی این مشکل را رفع کنند و فعالیت‌هایشان را در این زمینه به طور سازمان یافته انجام دهند تا به نتیجه مطلوب دست یابند.

مؤثر انجام دهد و برای خدمات درمانی و درآمد و اشتغال آنها تلاش‌های زیادی انجام دهد.

۳. برنامه‌های اساسی دولت برای مقابله با فقر بیشتر شامل افراد فقیر روستایی شود و سپس در شهرها فقرزدایی شود و برنامه‌های پیوسته و مدونی برای فقرزدایی طراحی و اجرا شود.

۴. کوشش شود صنایع بومی، صنایع دستی، صنایع سبک، صنایع جانبی و روستایی حمایت شوند و افراد کم درآمد از این طریق مشغول به کار شوند و درآمد کسب کنند تا به خودکفایی برسند.

۵. فعالیت‌های کمیته امداد حمایت شوند و سازمانی که بتواند ساماندهی مؤثری برای مقابله و کاهش فقر انجام دهد، ایجاد شود و به طور تخصصی با این موضوع روبه‌رو شود و آموزش‌های لازم را نیز به افراد بدهد.

فعالیت‌های اقتصادی آنها را کنترل کند و حمایت‌های لازم را انجام دهد. منابع مالی کمک به این گونه افراد می‌تواند از طریق ایجاد صندوق حمایت از اقشار کم درآمد تامین شود. استمرار این برنامه‌ها می‌تواند کشور مارا در دهه‌های آینده از نظر درآمدی به میزان مطلوبی برساند و به توزیع عادلانه درآمد کمک کند و فقر را تا حدود زیادی کاهش دهد.

نتیجه‌گیری

۱. از آنجا که فقر یک مشکل مهم در دنیا است، ضرورت دارد به آن توجه شود و برنامه‌ریزی‌های اساسی برای فقرزدایی صورت گیرد و مقابله با فقر یکی از وظایف اصلی دولت‌ها است و به طور اساسی باید با آن روبه‌رو شود.

۲. راهکارهای مهم مقابله با فقر عبارت‌اند از: تسریع در رشد اقتصادی و اجتماعی، توزیع عادلانه درآمد و ثروت که دولت‌ها می‌توانند از این سه ابزار استفاده کنند و فقر را کاهش دهند.

۳. مقابله با فقر نیاز به سازماندهی منابع و امکانات اعم از منابع داخلی و یا منابع خارجی دارد. دولت‌ها می‌توانند با ایجاد و یا بهبود سازماندهی

پی‌نوشت‌ها:

1. Chana Ada Boya.
2. Poverty All Eviation inehin.
3. Poverty Monitoring in china.
4. Problem encountered and to solve.

منابع:

روزبهان، محمود، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات مشعل آزادی.
نوری نائین، محمدسعید، مدیریت و ارزش‌یابی پروژه، انتشارات سازمان و مدیریت برنامه‌ریزی.

عظیمی، حسین، برنامه اقتصادی، جزوه درسی، (۱۳۶۹-۱۳۷۰).
گروه مدیریت، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، انتشارات پیام‌نور.

Poverty, World bank Group.

Poverty Line, World bank Grop, 2004.

The Rle nations and the poor Nations, barbara ward,

w.w. Norton and company Ine.

Economic development in the third world, Michael

p, Todaro.